

آیا کسی به فکر بقای بشر است؟

در آخرین کنفرانس مبارزه با گرمایش زمین در پاریس که در سال گذشته تشکیل شد حقایقی اعتراف شد که بسیاری از نظریات آخرالزمانی ما را اثبات نمود و آن اینکه در یک کلام تمدن مدرن نفتی در حال نابودی است که در این نابودی بیش از دو سوم مردم جهان و کمتر از نیم قرن دیگر محکوم به هلاکت هستند. حتی اگر همه تصمیمات پیشگیرانه قدرت‌های صنعتی جهان از هم اکنون به مرحله اجرا درآید (که در نمی‌آید) در کمتر از نیم قرن دیگر همه شهرهای بندری جهان غرق خواهند شد و می‌دانیم که بیش از دو سوم مردم جهان در بنادر زندگی می‌کنند. و این فقی یکی از فجایع نابودگری است که پیش روی بشر مدرن قرار دارد. در این کنفرانس که بزرگترین گردهمائی رهبران جهان و دانشمندان بین‌المللی بود اعتراف شد که بزودی بایستی نگران کمبود اکسیژن در جو زمین باشیم زیرا ضخامت جو زمین مستمراً نازکتر می‌شود و بواسطه گاز کربنیک بلعیده می‌شود. یعنی بشر در کوره‌ای به نام کره زمین دچار خفگی و مرگ تدریجی می‌شود هر چند که سال‌هاست که حدود نیمی از مردم روی زمین در شهرهای بزرگ صنعتی در حال خفه شدن هستند و بواسطه انواع سرطان‌ها و سکنه‌ها و امراض تنفسی و غلظت خون تلف می‌شوند.

آیا برآستی کدام‌یک از رهبران جهان نگران بقای آینده بشر بر روی زمین است؟ همه رهبران مجریان قدرت‌های صنعتی و بانکی و نفتی هستند و فقط به بقای کوتاه مدت خود در قدرت می‌اندیشند.

امروزه هر کودکی هم درک می‌کند که برپاکنندگان این تمدن مدرن صنعتی - نفتی - اتمی که صاحبان جهان هم هستند همان نابودگران جهان می‌باشند یعنی طاغوت جهانی که تحت فرمان شیاطین مشغول به فساد کشانیدن زمین و ساکنانش هستند بواسطه علوم و فنونی که تماماً آموزه‌های ابلیس است که دشمن انسان است.

با این حال امروزه به لحاظ پاکی و سلامت محیط زیست همین کشورهای بزرگ صنعتی جهان وضعی به مراتب بهتر از کشورهای جهان سوم دارند. زیرا کشورهای جهان سوم در رقابتی جنون‌آمیز خیلی سریع‌تر از اربابان خود به مسلخ می‌روند که کشور ما یکی از این مقلدان کور و کر تمدن غرب است در عین دشمنی خود با این تمدن! و لذا امروزه کشور ما از هر حیث یکی از تباه‌شده‌ترین کشورهای جهان است که اساس محیط زیست خود را قربانی پروژه‌های جاهلانه صنعتی کرده است زیرا در این دشمنی مقلدانه و این تقلید خصمانه می‌خواهد راه چهارصدساله تمدن صنعتی غرب را چهل ساله طی کند. این تقلید خصمانه کل راز همه تباهی‌هائی است که کشور ما دچار گردیده است که چین کمونیست پیش‌تاز این نابودگری در جهان سوم است. و لذا شاهدیم که تهران خطرناک‌ترین شهر جهان است. ولی آیا در این شهر پانزده میلیونی که همه رهبران و دولتمردان کشور را در خود جای داده است یک نفر نیست که به فکر جان این مردم باشد در حالی که همه آقایان به یقین می‌دانند که این شهر هر آن در آستانه نابودی است. این دولتمردان حتماً به فکر جان خود و خانواده‌های خود هم هستند تا چه رسد به سائر مردم!

در این کشور احدی به فکر حیات و هستی مردم نیست. در همه کشورهای دیگر هم چنین است. همه کسانی که خود را صاحبان این تمدن و قدرت‌های این جهان می‌دانند نیز جز در فکر منافع کوتاه مدت و حقیر خود نیستند و همه دانشمندان هم مزدور قلم به‌دست ایشانند که با یک جایزه نوبل و اسکار و امثالهم خفه می‌شوند.

در این جهان کسی به فکر بشر نیست جز آن کسی که او را بقیة‌الله (بقای خدا بر زمین) نامند و خلیفة‌الله یا انسان کامل و امام زمان و ناجی موعود! کسانی که به فکر او هستند و او را دوست می‌دارند و باورش دارند او نیز به فکر آنهاست و آنها را حمایت و هدایت نموده و از این برهوت و دوزخ نفتی می‌رهاند. چگونه؟ به‌گونه‌ای معجزه‌آسا و از ورای همه عقول و علوم علیتی حاکم بر جهان! به قدرت روحی که از نزد خود به‌سویشان می‌فرستد: روح‌الله!

دیگر صد تا انقلاب هم مشکلی از ملتی را حل نمی‌کند همان‌طور که پیش از این هم نکرده و فقط مشکلات را پیچیده‌تر و مالیخولیائی‌تر نموده است. نه لیبرال دموکراسی، نه سوسیالیزم، نه اسلام ناب محمدی، نه مدینه‌های فاضله موعود دیگر. اینها همه توهّمات جنی و وسوسه‌های شیطانی است جهت سقوط در دوزخ تا انتهای درک اسفل‌السافلین! و نیز حقوق بشر آن‌هم از زبان کسانی که حق نفس کشیدن و حق حیات را از بشر در سراسر جهان سلب کرده‌اند تا چند سال دیگر هم بتوانند نفت استخراج کنند و پول ذخیره نمایند. دیگر هیچ راه حل جمعی وجود ندارد زیرا قیامت برپا شده و هر کسی در محضر خدایش تک و تنه‌است و سرنوشت خود را به خودی خود رقم می‌زند. هر پروژه‌ای که بهشت زمینی را وعده می‌دهد یکی از دام‌ها و خطوات شیطانی است. بهشت و جهنم یک در بیشتر ندارد که آن‌هم از دل خودت باز می‌شود.

انقلاب اسلامی ایران همچون سائر انقلابات عصر ما، دربی به‌سوی قیامت آخرالزمان بود نه دربی به‌سوی بهشتی که به سرقت رفته باشد. آن‌آنکه به گمان خود این بهشت موهوم را به زور و زر و تزویر تصاحب کردند در دوزخ آخرالزمان سقوط کرده و خازنان این دوزخ گشتند و کسانی هم که آنها را پیروی نمودند تبدیل به هیزم این جهنم شدند و مابقی از این جهنم بیرون رانده شدند که خوشا به سعادتشان!

امروزه همه جنگ‌ها و دعواهایی که در سراسر جهان شاهدیم دروغین و فریبکارانه هستند جهت سرگرمی مردم جهان در دوزخ آخرالزمان! جنگ بین شرق و غرب، کمونیسم و امپریالیسم، اسلام و کفر، ایران و آمریکا و... این جنگ بین دزدان و مفت‌خواران بر سر تصاحب جهان است و تملک جان و روح مردمان!

امروزه همه مردمان جهان مشغول بازی در زمین دشمنان خود هستند. جنگ‌هایی عقیدتی، مذهبی، ایدئولوژیکی، سیاسی، اقتصادی، حزبی، قومی و غیره! حرف آخر را علی^(ع) همان اول برای اهل ایمان بیان نمود که: ای اهل ایمان جان خود را بردارید و به‌سوی خدایتان بگریزید که از دنیا جز سم و زهرابی نمانده است!

دین خدا، اسلام، نجات و هدایت معنوی همواره در تاریخ بشری و در قلمرو رسالت انبیای الهی امری کاملاً فردی و روحانی بوده است و مطلقاً خصلتی جمعی و مردمی و گروهی نداشته است. هرگز یک گروه یا مردم شهر یا محله‌ای یکجا و با هم ایمان نیاورده‌اند. در صدر اسلام نیز همه ایمان‌ها وقایعی کاملاً فردی بوده است و لذا واقعه ایمان آوردن بسیاری از اصحاب رسول دارای پرونده و شناسنامه‌ای منحصر بفرد است. حتی در حریم قدرت روحانی رسولان بزرگ هم واقعه ایمان امری جمعی و گروهی و قومی نبوده است تا چه رسد به عصر خاتمیت و غیبت! بنابراین همه ایدئولوژی‌های اجتماعی که دعوی رسالت جمعی و قومی هستند و دعوت به دین و ایمان می‌کنند دچار نفاق و توهم هستند. ایمان و هدایت و نجات جمعی، امری کاذب و توهمی و کاملاً سیاسی و فریبکارانه است که گروهی را به وسواس الناس و خناس دچار نموده و به‌طور جمعی به‌سوی جهنم می‌برد در حالی که در پندار بهشت موعودند. این توهم و استنباط غلط در واقعه انقلاب اسلامی ایران هم شدیداً بر سرنوشت انقلاب حاکم شد و بدبختی‌ها و ضلالت‌ها و هلاکت‌هایی عظیم به بار آورد و نیز ندامت‌ها و بطالت‌های عظیم که امروز شاهدش هستیم.

علی اکبر خانجانی

بهمن ۱۴۰۰